

مصطفی عقاد فیلم «رسالت» (محمد رسول...) را در دو نسخه عربی و هالیوودی ساخت؛ در اولی عبا...غیث، بازیگر مصری نقش محوری حمزه سیدالشهدا را بازی می‌کرد و در دومی آنتونی کوئین، بازیگر سرشناس سینمای جهان بازی در این نقش را برعهده داشت. مشخصا ساخت نسخه هالیوودی، با موفقیت و محبوبیت و ماندگاری همراه بود و فارغ از فیلمی که بعدها مجید مجیدی

تأثیرات شخصیت امام (ع) بر آثار عقاد

گفت‌وگوی «جام‌جم» با محمدرضا شرف‌الدین درباره دو پروژه سینمایی به سرانجام نرسیده

عمرمختار براساس شخصیت امام (ع) جان‌گرفت

همه چیز درباره عشق مصطفی عقاد به بنیانگذار انقلاب

این‌که فیلمسازی تنها با کارگردانی دو فیلم، سری در جهان سینما درآورد و جاودانه شود، نیاز به ترکیبی از نبوغ، استعداد، پشتکار و روی خوش تقدیر دارد. اتفاقی که برای مصطفی عقاد، کارگردان فقید و بین‌المللی سوریه افتاد و با وجود فعالیت مستمر به‌عنوان تهیه‌کننده هالیوودی در آن دو باری که به عنوان فیلمساز پشت دوربین رفت، نتیجه‌اش دو فیلم شاخص و ماندگار به نام‌های «رسالت» (محمد رسول...) و «شیر صحرا» (عمر مختار) به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ شد. به دلیل علقه‌ها و اعتقادات عقاد به‌عنوان یک کارگردان مسلمان، هر دو فیلم نشانه‌های آشکاری از جهان اسلام دارند، اولی اثری درخشان درباره پیامبر گرامی اسلام با ملاحظات مرسوم در این زمینه و ادای احترام به باور مسلمانان و دومی فیلمی درباره شخصیت مسلمانی به نام عمر مختار که رهبر جنبش مقاومت مردم لیبی در مقابل اشغالگری و استعمار ایتالیا در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم بود. قرار بود مصطفی عقاد با ساخت فیلمی درباره امام خمینی(ره)، سه‌گانه‌اش را درباره سه شخصیت جهان اسلام در سه مقطع تاریخی مختلف از صدر اسلام تا دوران معاصر تکمیل کند اما رقم پیشنهادی و هالیوودی او برای مدیران وقت فرهنگی و سینمایی کشور قابل هضم نبود. به جز این کوتاه‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفت، باعث شد این فیلم هرگز رنگ واقعیت به خود نگیرد و فرصتی بی‌همتا برای سینمای ایران از دست برود. در گفت‌وگویی که با محمدرضا شرف‌الدین، تهیه‌کننده سینما داشتیم، درباره این حسرت تاریخی حرف زدیم، همچنین از دیدار او با مصطفی عقاد و جلسه‌ای گفتیم که برای همکاری در تولید فیلمی به نام «امپراتور عشق» درباره بلال حبشی داشتند. اثر فاختی که آن هم مانند پروژه سینمایی حضرت امام(ره) به سرانجام نرسید و دریغ همیشگی همکاری سینماگری چون عقاد با سینمای ایران همیشگی شد.



علی رستگار گروه فرهنگ و هنر

مقاومت مردم لیبی در مقابل اشغالگری و استعمار ایتالیا در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم بود. قرار بود مصطفی عقاد با ساخت فیلمی درباره امام خمینی(ره)، سه‌گانه‌اش را درباره سه شخصیت جهان اسلام در سه مقطع تاریخی مختلف از صدر اسلام تا دوران معاصر تکمیل کند اما رقم پیشنهادی و هالیوودی او برای مدیران وقت فرهنگی و سینمایی کشور قابل هضم نبود. به جز این کوتاه‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفت، باعث شد این فیلم هرگز رنگ واقعیت به خود نگیرد و فرصتی بی‌همتا برای سینمای ایران از دست برود. در گفت‌وگویی که با محمدرضا شرف‌الدین، تهیه‌کننده سینما داشتیم، درباره این حسرت تاریخی حرف زدیم، همچنین از دیدار او با مصطفی عقاد و جلسه‌ای گفتیم که برای همکاری در تولید فیلمی به نام «امپراتور عشق» درباره بلال حبشی داشتند. اثر فاختی که آن هم مانند پروژه سینمایی حضرت امام(ره) به سرانجام نرسید و دریغ همیشگی همکاری سینماگری چون عقاد با سینمای ایران همیشگی شد.

از ماجرای دیدار شما با مصطفی عقاد شروع کنیم. ظاهرا قرار بود با همکاری و مشاوره او فیلمی تهیه کنید. فیلم درباره حضرت امام(ره) بود؟ نه. فیلمی به نام امپراتور عشق بود که فیلمنامه‌اش را آقای بهزاد بهزادپور نوشته و قرار هم بود خود ایشان کارگردانی آن را انجام دهد. البته این فیلم به علت مشکل بودجه به سرانجام نرسید و نشد این فیلمنامه بسیار خوب به اثری سینمایی تبدیل شود. آقای بهزادپور داستان کوتاه و عاشقانه‌ای را که از پدر و مادر بلال حبشی وجود داشت به فیلمنامه تبدیل کرد، این‌که حاصل آن عشق، شخصیت بلال حبشی می‌شود.

چون امپراتور عشق پروژه بسیار بزرگی بود و صحنه‌های باشکوهی داشت، آن را در ابعاد جهانی می‌دیدم. بعدها وقتی فیلم محمد رسول... آقای مجید مجیدی را راجع به پیامبر گرامی اسلام دیدم، یاد بخشی از فیلمنامه آقای بهزادپور افتادم که در سال‌های خیلی دورتر صحنه‌های عظیمی را نوشته بود. به دلیل همان نگاه جهانی که به پروژه امپراتور عشق داشتیم به مرحوم مصطفی عقاد رسیدیم و از ایشان برای مشاوره و همکاری در این کار دعوت کردیم. عقاد هم آمد و صحبت کردیم و فیلمنامه را به ایشان دادیم تا بیاخواند.

چه سالی بود و این دیدار کجا انجام شد؟

سال ۷۹ بود یا سال ۸۰ که ایشان به ایران آمد و در دفتر مشترک من و مرحوم حبیب... کاسه‌ساز، دیدار و جلسه‌ای با هم داشتیم. مرحوم عبدالرحمان شاهینیان یکی از سینماگران قدیمی هم مترجم ما بود. البته ایشان مترجم عربی بود و من هم به زبان انگلیسی با عقاد حرف می‌زدم. آقای عقاد ایده‌های جالبی درباره فیلمنامه امپراتور عشق داشت. من بیشتر از این‌که شیفته توانمندی‌های آقای عقاد شوم، شیفته معرفت و اخلاق انقلابی ایشان شدم. آن روز می‌دانستیم هواییابی ایشان ساعت ۹ صبح به زمین می‌نشیند اما عقاد حدود ساعت چهار یا پنج به دفتر آمد. از او پرسیدم چرا دیر آمدید؟ آیا مشکلی برای شما پیش آمد؟ گفت: «نه، من هورقت به ایران می‌آیم. اول برای زیارت و عرض ارادت به مرقع حضرت امام(ره) می‌روم». عقاد خیلی امام را دوست داشت و عاشق ایشان بود. چیزهایی از شخصیت امام برای ما بیابن می‌کرد که ما با شنیدن آن حرف‌ها، مثل ماهی داخل آب بودیم. درحالی‌که ما متوجه خیلی از این اشاره‌ها و جزئیات نشده بودیم، عقاد به خوبی اینها را دیده و درک کرده بود. یکی از نکات بسیار مهمی

که عقاد در صحبت‌هایش

به من گفت درباره فیلم

«عمر مختار» (شیر

صحرا) بود، او گفت:

«وقتی این فیلم

درباره دوران کودکی حضرت محمد(ص) ساخت، هنوز تنها فیلم مهم سینمای دنیا درباره پیامبر گرامی دین مهرپایی است. اگرچه این فیلم با تولید در سال ۱۹۷۶ ماجراهای صدر اسلام را روایت می‌کرد اما با توجه به روحیه انقلابی و اعتقادات اسلامی عقاد، قطعاً و نیم‌نگاهی هم به مبارزات انقلابی مردم ایران و رهبری حضرت امام (ره) داشت. «از قلب‌ها وارد شد نه از دیوارها» را هم می‌شد درباره پیامبر گرامی اسلام به کار

شد و می‌ارزید و باید این کار انجام می‌شد. باید کسی مثل مصطفی عقاد می‌آمد و فیلمی درباره حضرت امام می‌ساخت اما متأسفانه نشد و عقاد از این اتفاق دلتخور بود. عقاد به من می‌گفت من فیلمساز هالیوود هستم و هالیوودی می‌سازم، منظورش هم از نظر تکنیک بود و هم از نظر مالی. وقتی ما فیلمنامه امپراتور عشق را به زبان عربی ترجمه کردیم و به ایشان دادیم، گفت این فیلمنامه نیاز به بازنویسی دارد و من باید این فیلمنامه را به یکی از فیلمنامه‌نویسان فیلم‌های «محمد رسول...» و «عمر مختار» (شیر صحرا) بدهم. در آن سالی که ما قصد تولید فیلم امپراتور عشق را داشتیم، بیشترین هزینه برای ساخت فیلم در ایران بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون تومان بود اما پیش‌بینی و برآورد هزینه ما برای تولید امپراتور عشق یک میلیارد تومان بود و بنا داشتیم چنین رقمی را هم فراهم کنیم.

وقتی با عقاد صحبت کردیم، او درباره بودجه فیلم هم از ما پرسید. من به جای این‌که جواب این سؤال را بدهم، از او پرسیدم شما بودجه این فیلم را چقدر می‌بینید؟ عقاد گفت: «من قرار است مشاور این فیلم باشم و تا زمانی‌که فیلمنامه بازنویسی مناسب و کاملی نداشته باشد، نمی‌توانم مبلغ نهایی ساخت این فیلم را اعلام کنم.» من هم گفتم بسیار خب، هزینه بازنویسی فیلمنامه چقدر می‌شود. مبلغی را گفتم که با احتساب دلار آن روز، فقط هزینه بازنویسی فیلمنامه یک میلیارد تومان می‌شد. درحالی‌که ما این مبلغ را برای کل پروژه پیش‌بینی کرده بودیم. عقاد می‌گفت: «دستمزد دوست فیلمنامه‌نویس من بیشتر از اینهاست و به پول ایران سه میلیارد تومان می‌شود اما اگر من از او بخواهم، حاضر است به اعتبار من دستمزد واقعی‌اش را نگیرد.» (می‌خندد) همانجا بود که متوجه شدم باید خیلی دیوانه و دوستانه و محترمانه از ایشان جدا شویم و دیگر نباید برای این کار سراغ عقاد برویم.

مشابه همان مشکلی که برای تولید فیلم حضرت امام(ره) به کارگردانی عقاد پیش آمد. اگر این اتفاق می‌افتاد و عقاد این فیلم را می‌ساخت، به نوعی سه‌گانه او درباره سه شخصیت بزرگ جهان اسلام کامل می‌شد. قبول دارید اگر چنین فیلمی درباره امام ساخته می‌شد، با توجه به محبوبیت و همین طر است. متأسفانه این اتفاق رخ نداد و این فرصت بسیار خوب از دست رفت.

هرچقدر در سینمای جشنواره‌ای و در فستیوال‌های دنیا با موضوعات موردپسند غرب حضوری پررنگ و جدی داریم اما در زمینه سینمای استراتژیک و ایدئولوژیک از جمله موضوعات مرتبط با جهان اسلام، جایگاه و هدف‌گذاری‌هایی در جهان و حتی منطقه و در کشورهای مسلمان و همسایه برای عرضه و اکران و ارتباط با مخاطبان خارجی نداریم. چرا هنوز هیچ عزم و طرح و برنامه‌ای در این خصوص وجود ندارد؟

کار تبلیغاتی و پروپاگاندا هزینه دارد. قدرت‌گرفتن صهیونیست و تثبیت جایگاه سلطه استعمار آمریکایی و یهودیان به دست هالیوود، از طریق پروپاگاندا رسانه‌ای و هزینه‌ها و خرج‌های هنگفتی حاصل شد. یعنی وضعیتی کنونی آنها ناشی از یک زیرساخت کلان اقتصادی است. ما می‌توانیم این تجربه را در دیدگاه‌های ایدئولوژیک و اعتقادی خودمان داشته باشیم و آن را به نحو درستی به کار ببریم، یعنی هزینه‌هایی در سطح بین‌المللی انجام دهیم، با آدم‌های معتبر و جهانی تعامل داشته باشیم، موضوعات و شخصیت‌های خود را براین اساس پیش ببریم و در قالب محصولات فرهنگی و هنری به دنیا معرفی کنیم. باید به سمتی حرکت کنیم که سینمای ایران در سطح منطقه و جهان، نتیجه اقتصادی هم داشته باشد. اینجا بیشتر از هر چیز، ضرورت دیپلماسی فرهنگی احساس می‌شود. به‌ویژه در زمینه سینما باید از کشورهای دیگر برای تولید فیلم‌هایی با موضوعات مشترک دعوت کنیم و سرمایه‌گذاران خارج از کشور را جذب کنیم. حرکت‌های ضعیفی هم انجام شد اما چون پیگیری کافی نشد و هدف‌گذاری نداشت، نتایج موقفی هم نداشت.

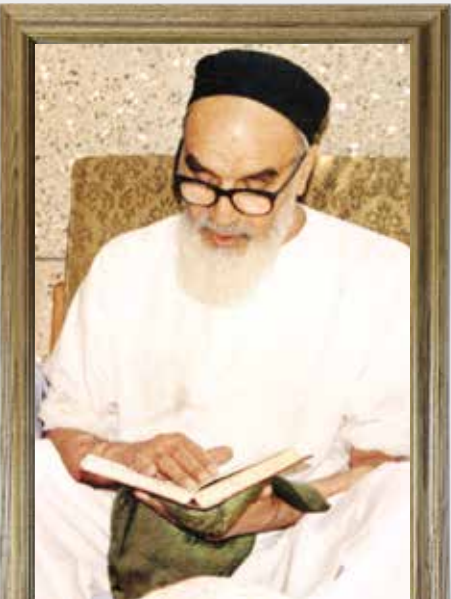
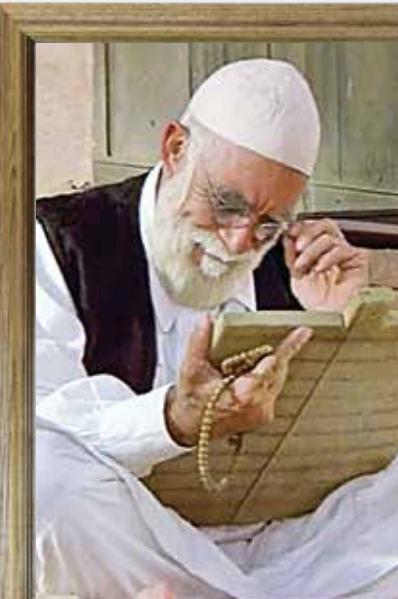
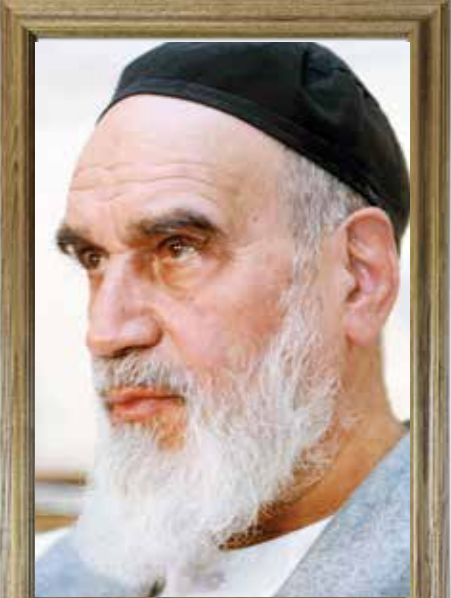
در بیشتر مواقع هم واکنشی عمل می‌کنیم. به عنوان مثال درهمین موضوع حضرت امام(ره)، فیلم فاخر و قابل عرضه‌ای در سطح منطقه و جهان نداریم اما به محض این‌که هالیوود و غرب سراغ ساخت فیلمی با این موضوع برود، فقط بیانه صادر می‌کنیم.

البته عقاد با این‌که در هالیوود فیلم می‌ساخت اما مسلمان و عاشق امام بود و اگر فیلمی درباره امام می‌ساخت با آثار هالیوودی دیگر فرق می‌کرد.

منظور عقاد نیست بلکه تفکر غالب هالیوود کاملاً جهت‌دار سراغ



برد و هم درباره رهبر آزاده ایران که افکار پیامبر را در دوران معاصر نمایندگی می‌کرد. این تأثیرپذیری و خوانش سینمایی در فیلم بعدی عقاد یعنی «شیر صحرا» (عمر مختار) محصول سال ۱۹۸۰ بارز و برجسته‌تر بود و حالا او با تکیه بیشتر بر شخصیت فاتح و مقتدر حضرت امام(ره) و بیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) قهرمان خود را به تصویر کشید.



ایران را در سطح منطقه و جهان معرفی و به سمتی حرکت کنیم که کشورهای دوست و مسلمان رغبت کنند همکاری‌های مشترکی در زمینه سینما با ما داشته باشند.

شما در سال ۸۴ و بعد از درگذشت عقاد، مراسم نکوداشتی برای او در سینما فلسطین برگزار کردید.

بله، آن زمان من مسئول انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و دبیر جشنواره فیلم دفاع مقدس (مقاومت) بودم، برای همین در زمان برگزاری این جشنواره، یک روز با به مصطفی عقاد اختصاص دادیم.

هیچ وقت دیداری با حضرت امام(ره) داشتید؟

بله، سال ۶۱ بود که خدمت‌شان رسیدم و دست مبارک‌شان را بوسیدم و به این دیدار هم افتخار می‌کنم.

آن زمان فعالیت سینمایی‌تان را شروع کرده بودید؟

آغاز حضور من در سینما مهر ۵۴ بود که وارد سینما آزاد اصفهان شدم و اقبای سینما را با فیلم‌های سورپرتش آموختم. آن زمان رئیس سینما آزاد اصفهان آقای محمد (چنگیز) حقیقت بود و بعد از ایشان هم مرحوم زاون قوکانیان این مسئولیت را برعهده داشت. بسیار دوران خوب و آموزنده‌ای برای من بود، چون فیلم‌های خوب و روز جهان و آثار تاریخ سینما را صبح‌های جمعه برای هنرجویان اکران می‌کردند. بعد از انقلاب هم مدتی سینما آزاد با مسئولیت آقای مسائلی فعالیت می‌کرد و چنین برنامه‌ای ادامه داشت اما بعدها این روند قطع شد و هنوز هم یک سینما تک‌موتر و جریان‌ساز نداریم. یعنی وقتی خدمت حضرت امام رسیدم، سواد و تجربه سینمایی به معنی اخص آن را نداشتم و هنوز وارد سینمای حرفه‌ای نشده بودم اما به سینما علاقه داشتم و آموزش‌هایی هم دیده بودم.

در عین حال فیلم‌بردار و مستندساز دفاع مقدس بودم و اتفاقاً هنوز هم یک سری از مستندات و کارهای ساخته شده من در این زمینه موجود است.



محمدرضا شرف‌الدین، روحیه انقلابی را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مصطفی عقاد، فیلمساز فقید و بین‌المللی سوریه می‌داند و می‌گوید: درست است که عقاد در هالیوود کار و در آمریکا زندگی می‌کرد اما واقعاً یک روحیه انقلابی داشت و به حکومت سلطه‌گر و استعماری

آمریکا و غرب معترض بود. ایشان در جوانی شیفته انقلاب الجزایر می‌شود و فیلمی مثل «عمر مختار» (شیر صحرا) را متأثر از همین علاقه و روحیه و رویکرد خودش در مبارزه با استعمار می‌سازد. با وجود این عقاد در جلسه‌ای که با هم داشتیم، اشاره کرد وقتی با حضرت امام(ره) دیدار می‌کند، ناگهان رویکرد و همه گذشته انقلابی خود را قهره‌ای در مقابل دریا می‌بیند. او از لحظه آشنایی با حضرت امام(ره) شیفته ایشان می‌شود و تا آخر عمر هم ارادتمند امام باقی می‌ماند. این سیر تکاملی در روند اندیشه انقلابی عقاد بسیار برجسته و قابل اشاره است.

برش



قطره‌ای در برابر دریا

محمدرضا شرف‌الدین، روحیه انقلابی را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مصطفی عقاد، فیلمساز فقید و بین‌المللی سوریه می‌داند و می‌گوید: درست است که عقاد در هالیوود کار و در آمریکا زندگی می‌کرد اما واقعاً یک روحیه انقلابی داشت و به حکومت سلطه‌گر و استعماری آمریکا و غرب معترض بود. ایشان در جوانی شیفته انقلاب الجزایر می‌شود و فیلمی مثل «عمر مختار» (شیر صحرا) را متأثر از همین علاقه و روحیه و رویکرد خودش در مبارزه با استعمار می‌سازد. با وجود این عقاد در جلسه‌ای که با هم داشتیم، اشاره کرد وقتی با حضرت امام(ره) دیدار می‌کند، ناگهان رویکرد و همه گذشته انقلابی خود را قهره‌ای در مقابل دریا می‌بیند. او از لحظه آشنایی با حضرت امام(ره) شیفته ایشان می‌شود و تا آخر عمر هم ارادتمند امام باقی می‌ماند. این سیر تکاملی در روند اندیشه انقلابی عقاد بسیار برجسته و قابل اشاره است.



برای دیدن فیلم عمر مختار کارگردا را اسکن کنید